



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۲۸

اسحق نگارگر

یکی از فضل می لافد؛ دگر طامات می بافد

بیا کایــــن داوری هارا به پیش داور اندازیم
(حافظ)

مردم و سردرگمی های اهل سیاست در افغانستان

متأسفانه کارزارهای سیاسی در افغانستان به راهی رفته است که دیگر مردم عادی و مردم کوچه و بازار یعنی آنان که در قاعده اهرم جامعه کار میکنند و نان شب و روز خود را با هزار دُشواری به دست می آرند نمی دانند که در این گردبادهای سیاسی راه خود را چه گونه پیدا کنند. آنان خود دیده اند که در همین سال های کوتاه عمرشان حق انسان و انسانیت پامال گردیده است و همان ها که امروز داد از هواخواهی مردم می زنند ارزش انسان و به طور خاص ارزش زنان را سخت پایین آورده اند. مردم را بدون جرم محکوم قتل و نابودی کرده اند. به زیر دستان خود اجازه فساد و غصب بیت المال و دارایی عامه داده اند و حتی به شهادت علنی یکی از همپرازان خودشان چون سدی در برابر عدالت ایستاده اند. آنکه جلوتطبیق عدالت را میگیرد خود را در مقام معاون جرم قرار میدهد و بالطبع سزاوار محاکمه و مجازات است یعنی نود درصد دواطلبان حکومت بر مردم به نوعی از انواع اتهام تخلف از حقوق بشر را در سوابق سیاسی بر خود دارند ولی اینان پیش از اینکه مردم را که طرف دعوی شان بودند مجال ابراز نظر و حق اقامه دعوا میدادند خود بر جای قاضی نشستند و خویشتن را عفو نمودند. افغانستان کشوری عجیب است که همه رهبران و راهگشایان راه مردم قبول دارند که در افغانستان جنایات هولناک قتل و گشتار رخ داده است و بالطبع عاملان آن نیز رهبران و عناصر تحت فرمان شان بوده است و حتی برخی از همین رهبران که مطمئن بودند که دیگر محاکمه ای در کار نیست صرف برای برائت خودم از محاکمه مسؤولان نیز زده اند. به یاد بیاوریم حضرت رسول اکرم (ص) را که در حجة الوداع به اصحاب خویش فرمودند: «اگر حق را تلف کرده باشم و یا بر کسی ستم کرده باشم اینک در برابر تان ایستاده ام تا حق خود را بگیرد و ستمی را که بر شما کرده ام به من اعاده کنید.» آنرا که به قول سعدی حسابش پاک بود از محاسبه پاک نداشت ولی رهبران تردمان امروز از محاسبه گریزان هستند. وقتی افرادی که جرم متهم میشوند اتهام تا وقتی در برابر یک محکمه عادل مطرح نگردیده و یک قاضی عادل در مورد رد یا قبول اتهام فیصله نکرده است متهم قانوناً حق ندارد خود را برای یک مقام حساس کاندید کند. در اتخاذ یک مقام حساس اجتماعی تنهاتابعیت مدار اعتبار نیست زیرا اگر محاکمه اتهام بر ضد اینان را تأیید و حتی اینان را زندانی نیز کند زندانی شدن حق تابعیت شان را سلب نمی کند ولی حق رسیدن شان را به یک مقام حساس اجتماعی مسلماً از ایشان سلب میکند زیرا رئیس جمهور نباید سابقه جرمی و آنهم جرم تخلف از حقوق افراد داشته باشد بنابراین ضروری بود که مدافعان حقوق عامه بالوی خرنوال این اتهامات را تحقیق و به محکمه پیش میگردند و مجرم و بری الذمه را از هم تفکیک و هر دو دسته را به مردم معرفی میگردند که نکرده اند و به همین دلیل مردم نمیتوانند بر این همه متهم که اکثریت جامعه گواه اعمال شان است اعتماد کنند. یک مضحکه دیگر در انتخابات افغانستان این نیز است که سیاستمداران همانند فروشندگان دوره گرد از این کوچه بدان کوچه یا از این گروه بدان گروه می روند تا زر قلب خود را در بازار انتخابات بچلانند. اینان که مردم را به عنوان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

انسانهای مستقل و صاحب اراده قبول ندارند برسررای شان بادیگران معامله میکنند و این مسأله خود بازار تقلب را گرم نگاه میدارد. من میدانم که در این کارزار شیر و خنجر اندازی سکه ریاست به نام چه کس اصابت میکند اما میدانم که این انتخابات نیز گره هیچ مشکل را باز نمیکند زیرا که باز همان چانه زنی های قومی باقی میماند. در حال حاضر تلقی همه سیاستمداران این است که هر کس در صفت من است و برای من سرود زنده باد؛ مُرده باد میخواند خوب است ولی اگر در صف رقیبان من رفته است بد است. حالا فکر کنید که در افغانستان چندین قوم بزرگ و کوچک وجود دارد که اگر هر قوم بر حضور بالفعل در دولت اصرار داشته باشد دولت به شورای اقوام بدل میشود و وقت در بگو مگو های اقوام ضایع می شود. حرف آخر نیز این که بدبختانه باز سلب اراده مردم سبب آن گردیده است که دولت وجه المصلحه آمریکا و گروه طالبان می خواهد شود یعنی یک جلسه بن دیگر در راه است و می خواهند عناصری را که هرگز با هم کنار نمی آیند در یک دولت به زور نفوذ خارجی ها پهلوی هم بنشانند و راه خود بگیرند و بروند اما پرسش من بسیار ساده است:

آیا آمریکا آن عملیات انتحاری را که در شهر های مختلف افغانستان رخ داده و سبب قتل بیگناهان گردیده است عملی برخلاف حقوق بشر میداند یا نه و آیا آمریکا برای این گونه عملیات انتحاری به عنوان تکتیک جنگی صحه میگذارد یا نه؟ اگر میگذارد پس دموکراسی خود را در نظر جهانیان مسخره و بامتخلفان حقوق بشر برضدمردم افغانستان مصلحه میکند. مردم برضد این گروه های انتحاری دعوی قتل عمدی عزیزان خود را دارند و باید محاکم شرعی به این دعوای قتل رسیدگی بکنند. آمریکا حق ندارد برخلاف اراده مردم افغانستان بنام حکومت مؤقت یک حکومت هشت رخ و نه گردیدگر را با افغانستان تحمیل کند. منطقی ترین است که بگذارند انتخابات برگزار شود و دوران حکومت هشت رخ و نه گردجان کری به پایان برسد و قدرت در یک دست بیفتد و یک حکومت بالنسبه مسؤل که صلاحیت مردم را با خود داشته باشد و وجود بیاید و کار مذاکره با طالبان را به پیش ببرد زیرا که سیاستمداران تکر و که در مسکو و دوحه با طالبان نشسته اند صلاحیت نمایندگی از مردم افغانستان را ندارند. طالبان خوب از مقام جویبها و فرصت طلبیهای اعضای غیر طالب این به اصطلاح حکومت مؤقت خوب آگاه استند و میدانند که مدتی به این خروسان اخته بایددانه و نواله بدهند و آنرا چاق کنند. خسروسی که در دست توست هر وقت که اذان بیوقت داد میتوانی کار دبر گلوش بگذاری! اکنون که رئیس جمهور امریکا ضدونقیض می بافت و می بینی که گاهی دو گوش خود را گرفته می خواهد از افغانستان برود و گاهی از عدم اعتماد بر طالبان صحبت میکند و می خواهد خروج خود را از افغانستان به تأخیر بیندازد جهان باید در کنار افغانستان بایستد و به مردم مجال این را فراهم کند که افغانها زیر نظارت ملل متحد از طریق یک انتخابات فارغ از نفوذ و تقلب حکومت دلخواه خود را انتخاب کنند تا هم لعل به دست آید و هم یار نرنجد. هم خارتشویش در بغل آمریکا نیش نزنند و هم تعلیم و تربیه جوانان و به طور خاص دختران گرفتار قید و محافظه کاری های طالبان نگرند.

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۲۷ آگست ۲۰۱۹ بر منگم